باسمه تعالی

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /ادله اعتبار/ صحیحه اول زراره

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در بررسی سندی روایت اول زراره که برای اثبات حجیت استصحاب به آن استدلال شده بود، بعد از دفع اضرار اضمار به اشتمال سند روایت بر «محمد بن ولید» با وجود مجهول بودن او رسید.

## مجهولیت ابن ولید

در نقل مرحوم شیخ این روایت مشتمل بر محمد بن ولید با توجه به مجهولیت یعنی عدم وجود قدح و مدحی در مورد او، باعث سقوط روایت از اعتبار می شود.

روایات زیادی این گونه هستند که سندی مشتمل بر این «ابن ولید» وجود دارد کما این که نسبت به «احمد بن محمد بن یحیی» هم همین مشکل وجود دارد.

به نظر می رسد روایت مشتمل بر «احمد بن محمد بن حسن بن ولید» و «یحیی عطار»، خللی ندارد ولو این که وثاقت این دو راوی هم اثبات نشود.

«شیخ عن المفید عن احمد بن حسن بن ولید عن ابیه عن محمد بن حسن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی و عن الحسین بن حسن بن ابان» مراد این نیست که معطوف بر «احمد بن محمد بن عیسی» باشد بلکه عطف بر «صفار» است و راوی از او محمد بن حسن بن الولید، شیخ شیخ مرحوم صدوق است، لذا ابن ولید در هر دو طریق وجود دارد و دو قلو بودن روایت از این جهت مشکلی را حل نمی کند.

### عدم اخلال اشتمال

این اشتمال به واسطه سه بیان مشکلی در حجیت روایت ایجاد نمی کند.

#### بیان اول: عدم انحصار طریق مرحوم شیخ

این روایت در واقع مروی از کتاب حسین بن سعید است ولو این که مرحوم شیخ تمام سند را آورده است و چیزی را به مشیخه محول نکرده است و ظاهر این است که این روایت را از کتاب حسین بن سعید نقل نموده است.

مرحوم شیخ در ابتدای تهذیب تمام طریق را ذکر می کند ولی از اواخر کتاب طهارت هر روایت را از کتاب راوی اول ذکر نموده است و در مشیخه طریق خود به کتاب آن راوی را ذکر نموده است تا به نوعی اختصار به کار رفته باشد، نسبت به احمد بن حسن بن الولید هم طریق مرحوم شیخ منحصر در ابن ولید نیست بلکه از پدر و نیز به طور مستقیم هم روایت و نقل دارد، و به تعبیری دیگر این طریق معوض دارد، یعنی احمد در این روایت از ثقات مسلّم جایگزین دارد.

به واسطه این بیان وثاقت احمد بن حسن بن ولید اثبات نشد چرا که از طریق دیگری روایت حجت دانسته شد.

#### بیان دوم: تقید مرحوم شیخ به نقل روایت از اصحاب کتب

مرحوم شیخ مقید است به این که روایات را از اصحاب کتب نقل نماید، ولی شیخ در نقل روایت دو مطلب دارد؛ یکی شهادت به این که از کتاب روات روایات را نقل می کند و از جمله همین کتاب حسین بن سعید و دیگری این که سندش به اصحاب کتب همین اسناد و طرق موجود است و این شهادت هم علی القاعده و ظاهرا حسی است، لذا نیازی به اسناد مشیخه برای حجیت روایات نیست، و شأن کتبی(مثل کتاب حسین بن سعید) را که مرحوم شیخ در تهذیب آن ها را نقل می کند شأن ما نسبت به کتب خود مرحوم شیخ است و سایر کتب اربعه است.

با توجه به شهادت مرحوم صدوق به این که روایات را از کتب معروفه، مشهوره و معموله نقل نموده است و نیازی به بررسی سند ایشان تا صاحب کتاب نیست ولی بررسی سند روایت از صاحب کتاب تا معصوم علیه السلام لازم است.

در این بیان هم وثاقت احمد اثبات نشد اما روایت حجت دانسته شد.

#### بیان سوم: ابن ولید، شیخ اجازه نه شیخ روایت

احمد بن محمد بن حسن بن ولید از مشایخ روایت نیست بلکه از مشایخ اجازه است، با توجه به این که دو سنخ از روات وجود داشته است یک دسته از آن ها مشایخ روایات و کتب هستند و یک دسته از آن ها صرفا مشایخ اجازه است، و در این دسته دوم نیازی به احراز وثاقت ندارند، کما این که مرحوم آغا بزرگ طهرانی و مرحوم نجفی مرعشی شیخ اجازه هستند، که قهرا بر اساس این بیان نیز وثاقت ابن ولید اثبات نشده است.

##### اشکال: اتخاذ شیخ اجازه دال بر وثاقت

مستجیز از مشایخ اجازه، معترف به وثاقت آن هاست یعنی همین اجازه خود دلیل توثیق آن هاست چرا که مراد این مستجیز اتصال سند و در نتیجه خروج روایت از ارسال بوده است و توسیط غیر ثقه به واسطه اجازه در یک روایت اثری در حجیت ندارد، و در واقع فرقی بین روایت مرسل و روایت مسند به واسطه ای غیر ثقه وجود ندارد و چه بسا که حال در توسیط غیر ثقه نسبت به ارسال و مجهولیت اسوا باشد.

باتوجه به این اشکال از این بیان وثاقت احمد هم حاصل می شود.

#### بیان چهارم: توثیق عملی مرحوم علامه

مرحوم علامه روایاتی مشتمل بر احمد را تصحیح نموده است و این نتیجه اش توثیق اوست کما این که همین روایت را در منتهی و غیر آن تعبیر به صحیحه زراره نموده است.

##### اشکال: عدم تاثیر توثیقات علامه

مرحوم خویی توثیقات علامه را به خاطر اشتراک منابع با زمان حال، حدسی دانسته و آن را حجت نمی داند.

###### جواب: اثبات تاثیر توثیقات علامه

اولا؛ این اشتراک کتب مورد اشکال است.

ثانیا؛ توثیقات علامه نسبت به معاصرین حضرات علیهم السلام فایده ندارد، اما نسبت به شخصی مثل احمد نمی توان آن را حجت ندانست که از رجال مقارب خودش بوده است، چرا که فاصله شیخ طوسی و صدوق با روات معاصر ائمه بیش تر است و پذیرفته می شود.

#### بیان پنجم: بیان مرحوم تبریزی

عدم ورود قدح در شأن معاریف مخل به اعتبار روایاتشان نیست چرا که به خاطر این شهرت اگر ضعفی در آن ها وجود داشته باشد قطعا واضح و روشن و معروف می شد.

#### بیان ششم: اعتماد مرحوم شیخ مفید و دیگران

اعتماد امثال شیخ مفید بر روایات ابن ولید حاکی از اعتماد ایشان به اوست کما این که اعتماد مرحوم کلینی به عطار از اکثار روایت از او به دست می آید.

تا این جا شش وجه بر اعتبار روایت ذکر شد که چهار وجه از آن ها وثاقت احمد را هم علاوه بر اعتبار روایت اثبات می کند، کما این که تمام این وجوه وثاقت عطار را هم اثبات می کند.